

متن پرسش

سلام علیکم باعرض ادب و احترام محضر استاد طاهرزاده: صحبتتم را با مقدمه ای شروع می‌کنم: وقتی حاج قاسم شهید شد به برکت شهادت ایشان خون تازه ای در رگ انقلاب جاری شد و با حمله ایران به پایگاه آمریکایی، عزت انقلاب نمایان شد، و همانطور که فرمودید افق متعالی با اشک بر حاج قاسم برای مردم نمایان گشت، بعد از آن با شهادت شهید زاهدی، برکت خون این شهید اینگونه شد که: ایران به اسرائیل حمله کرد و هیبت پوشالی اسرائیل فرو ریخت و باعث عزت انقلاب شد، به نظر اکنون با شهادت شهید رئیسی برکت خاصی ایجاد شده است و آن رشد فهم متعالی مردم است و به نظر اکنون مردم متوجه شده اند برای انتخابات در پیش رو کسی را انتخاب کنند که متوجه بعد متعالی انقلاب اسلامی باشد، و اینکه حل مسائل اصلی کشور از طریق همین انقلاب اسلامی قابل حل می‌باشد. و به برکت این شهید بزرگوار اکنون که جناب جلیلی صحبت می‌کنند مردم بهتر متوجه چنین گفتمانی می‌شوند نتیجه صحبت بنده این است: که یکی از بهترین برکات شهادت شهید رئیسی را رشد فهم مردم به گفتمان انقلاب اسلامی می‌دانم، که اکنون مردم با چنین فهم رشد یافته ای، مطالب جناب دکتر جلیلی را بهتر متوجه می‌شوند از مطالب ارزشمند حضرتعالی در تبیین شخصیت جناب آقای جلیلی تشکر می‌کنم و درخواست دارم مطلبی درباره: رشد فهم انقلابی مردم بعد از شهادت آیت الله رئیسی و ارتباط آن با گفتمان دکتر جلیلی نکاتی بفرمایید. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین‌طور که می‌فرمایید و به خوبی متذکر شده‌اید، گویا آن شهید بزرگوار با شهادت خود افقی بس اصیل را برای ادامه امور اجرایی در مقابل ما گشود تا ما مانند بعضی از نامزدهای محترم گمان نکنیم با تغییراتی جزئی و با عدم جهت‌گیری مناسب، می‌توان مشکلات تاریخی و تنگناهای خود را برطرف نماییم. غافل از آن‌که اساساً باید به معنای انسان در این شرایط حساس و به معنای ریاست جمهور در این موقعیت فکر دیگری نمود و اگر بزرگان فرمودند شهادت آیت الله رئیسی، انقلاب را دوباره به مردم برگرداند؛ به این معنا است که ما از جاده‌ای که با دولت آقای هاشمی گرفتار نئولیبرالیسم شدیم، در حال فاصله‌گرفتن هستیم.

به گفته اهل نظر: تقریباً از زمان شهادت سردار سلیمانی و خیزش عمومی مردم ایران و منطقه و احترام بسیاری دیگر به ایشان، سرعت تحولات سیاسی در ایران، منطقه و جهان، آنقدر بالا رفته است که صورتبندی نظری آن دشوار شده است. بسیاری معتقدند این سرعت بالا خصلت پوست اندازی جهان

است. و با این روند، فرصتهای جدیدی برای تغییر و تحولات خرد و کلان و از جمله تعیین نظم های جدید فراهم می آید. سرانجام با ترور صریح و علنی سردار سلیمانی که کسی گمان نمی کرد این ترور در بستر تاریخی-فرهنگی ملت ایران، نمادسازی گردد ولی به هر حال، مقاومت در برابر غرب مبدل به یک خواسته جدی و ملی در ایران شد. و در ادامه آن، ابراهیم رئیسی به قدرت رسید. همچنان که به لحاظ نظامی نمی توان ادعا کرد همه اعمال و تصمیمات نظامی سردار سلیمانی بلااستثناء بهترین بوده اند، به لحاظ اداری هم نمی توان ادعا کرد همه تصمیمات و اعمال شهید رئیسی بهترین بوده اند، اما با این حال، نماد آیینی جدیدی در حیات سیاسی ایران خلق شد. این نماد سیاسی، مثلاً در قالب کلماتی مانند شهید خدمت یا خادم ملت و... نشانگر خواست جدی ملت ایران برای یک فرم متفاوت سیاسی است.

احتمالاً بخش قابل توجهی از طبقات حامی دولت مرحوم ابراهیم رئیسی از افشار عادی و آسیب پذیر جامعه هستند. افشاری که قرار بود ولی نعمت انقلاب باشند ولی بعد از سیاست های نئولیبرالیستی که به تدریج از سال ۶۸ آغاز شدند، تقریباً از همه گردونه های قدرت خارج شدند و جایگزین آنها طبقاتی نوکیسه و به رفاه رسیده بودند، زمان شهادت حاج قاسم سلیمانی، زمانی بود که سیاستهای نئولیبرالیستی دولت، در اوج خود قرار داشت و در همین اوج به شکستی همه جانبه و ناامیدی همه جانبه رسیده بود. درست در همین زمان بود که با شهادت ایشان، سرمایه ای اجتماعی و قدرتی ملی آفریده شد تا امید به حیات سیاسی بازگردد.

دست بر قضا دولت مرحوم رئیسی هم دولت کم انتقادی نبود. سخن اینجاست که ما از اقبال عمومی به راه سیاسی مرحوم رئیسی در می یابیم که فرم سیاست کشور باید تغییر کند و عروسک بزک کرده اقتصاد سیاسی نئولیبرالیستی نه امکان تحقق در ایران دارد و نه آینده ای برای ما می سازد. ساختار اقتصاد سیاسی ایران باید به تدریج و با راهی که از سال ۵۷ باز شد، بازسازی و بازتعریف گردد. تقریباً در تشابه با زمان شهید سردار سلیمانی، با تجدید سازماندهی رسانه های نوین، سردی یأس و انفعال مجدداً در سپهر سیاسی ایران خود را نشان داد.

واقعیت سیاسی کشور ما در رجعتی به سنت تاریخی خود، روایتی آمیخته به حماسه و تراژدی است و اینک حجت الاسلام رئیسی، در تعیین یافتگی ایشان در بسط این روایت و حتی مبدل شدن آنها به نماد این روایت است. این امروز واقعیت «ملت ایران» را تشکیل می دهد و از آنجا که جهان امروز، جهان شبکه ای شده است که همه چیز آن با همه چیز مرتبط است، به این هم اشاره کنیم که وقتی روایت سیاسی متفاوتی در حال شکل گیری در ایران است که روایت سیاسی جریان اصلی جهان امروز، یعنی روایت نئولیبرالیستی، در فروپاشی نسبی قرار دارد. مشروعیت سیاسی جهان مدرن با نسل کشی سازمان یافته غرب به عاملیت اسرائیل، به پایان رسیده و دیر یا زود تبعات هولناک این فروپاشی خود را نشان خواهد داد، و ما در شعار آقای دکتر جلیلی که می فرمایند: «یک جهان فرصت، یک ایران جهش» چنین بصیرتی را احساس می کنیم. موفق باشید

